



نقش کیوریتور در دنیای هنر امروز



دلارام عسگری

شاید برخی از ما که کمتر با دنیای هنر آشنا باشیم واژه کیوریتور (curator) را نشنیده باشیم یا اگر شنیده باشیم به درستی متوجه نقش این افراد در دنیای هنر نشده باشیم که البته جای تعجب نیز ندارد، چراکه از یک طرف به‌کارگیری این اصطلاح در کشور ما قدمت چندانی ندارد و از طرفی دیگر امروزه تعریف کیوریتور نیز به علت پیچیدگی‌ها و گسترده‌گی فعالیت‌های کیوریتوریال دشوار شده است. برخلاف کشور ما واژه کیوریتور در غرب تاریخچه طولانی دارد و ریشه لاتین این‌کلمه به curare به معنی «مراقبت‌کردن» بازمی‌گردد. در روم باستان -cu- ratorه خادم شهری بود که مسئولیت نظارت بر تأسیسات عمومی را بر عهده داشت. در قرون وسطی‌که بعد متافیزیکی زندگی انسان مورد تأکید قرار گرفت curatus کشیشی بود که از روح ساکنان بخش مورد نظارتش مراقبت می‌کرد. در قرن هجدهم میلادی نیز curator برای دانش‌پژوهانی به کار می‌رفت که از جنبه‌های موزه‌ها نگهداری و سعی می‌کردند رازهای آنها را تفسیر کرده و آنها را نمایش دهند تا با شناساندن اهمیت این اشیا نشان دهند که این آثار، ارزشمند و آموزنده بوده و استحقاق نگهداری دارند. در واقع کیوریتورها نگهبانان خرد و روشنگری در موزه‌ها بودند.

اسا در گذر زمان واژه کیوریتور نیز تغییر کرده و از کاربرد دقیقی که در گذشته داشته، خارج شده است و در عین حال که همان وظایف نیای باستانی خود را به عهده دارد، نقش آن گسترده و پیچیده‌تر شده است و البته امروزه کیوریت‌کردن تنها محدود به جهان هنر نیست و شکل‌های آشکار و نهان آن همه جا دیده می‌شود. اما در فضای هنر معاصر، کیوریتور که در زبان فارسی اغلب به هنربان، هنرگردان، نمایشگاه‌گردان، ترجمه شده است، هنوز هم رسالت پشتیبانی و کمک به بالندگی هنر را بر دوش دارد.

به مرور زمان وظایف این حرفه حول چهار عملکرد اصلی شکل گرفت: حفاظت هنر، تولید دانش، انتخاب آثار هنری بدیع و نمایش آنها که امروزه این وظیفه آخر بیش از همه معرف کیوریتور شده و برخی حتی از نقش سنتی مراقبت دور شده‌اند و مفهوم کیوریتوری امروز به مراسم فرهنگی مدرتی که نامش را نمایشگاه گذاشته‌ایم، به‌شدت پیوند خورده است.

در پروژه‌های کیوریتبال معمولاً یا ایده اولیه به شکل یک سؤال در ذهن کیوریتور ایجاد می‌شود و سپس از آن کیوریتور به پژوهش درباره این‌موضوع پرداخته و سپس با تعامل و مشارکت با هنرمندان، آثار هنری که بازگوکننده آن ایده خاص از نگاه هنرمند و کیوریتور باشد خلق شده و به مخاطب ارائه می‌شود یا از ابتدا ایده اولیه از گفت‌وگو و هم‌اندیشی هنرمند و کیوریتور ایجاد شده و سپس ادامه این روند شکل می‌گیرد. پس اینکه دو سر این طیف که کیوریتور را تنها جمع‌آوری‌کننده یا نمایش‌دهنده آثار بدانیم یا کلاً نمایشگاه را اثری تنها متعلق به کیوریتور بدانیم شاید رویکرد صحیحی نباشد؛ چراکه در حقیقت نمایشگاه‌ها از کار مشترک کیوریتورها و هنرمندان شکل می‌گیرند. البته درخصوص تلاقی نقش کیوریتور و

هنرمند و سهم هر یک از آنها در خلق نمایشگاه به عنوان یک رویداد یا اثر هنری مشترک مناقشاتی نیز وجود دارد.

در واقع کیوریتور در طراحی یک نمایشگاه راهی یک سفر می‌شود؛ سفری پرپیچ‌وخم از کار یک هنرمند به هنرمندی دیگر و در این سفر بینندگان را نیز به دنبال خود می‌برد و کارهایی که جهت معرفی و شفاف‌سازی روند و چارچوب نمایشگاه انجام می‌شود، مانند یک سفرنامه، گام‌هایی را که برای رسیدن به یک اندیشه برداشته شده است، نشان می‌دهد که می‌تواند قدمی مؤثر نیز در راه تولید دانش و تاریخ‌نگاری هنر امروز در این مسیر باشد.

در عصر حاضر شاید هنوز هم داشتن تحصیلات آکادمیک در رشته تاریخ هنر برای کیوریتورهای موزه‌ها مهم‌ترین رکن کیوریتوری باشد، اما درخصوص «کیوریتورهای هنر معاصر» توانمندی‌های دیگری حتی بیش از مهارت‌های هنرشناسان سنتی، منجر به موفقیت آنان شده‌اند؛ چراکه امروزه شیوه‌های پشتیبانی از هنر و هنرمند و حتی پژوهش درخصوص هنر دستخوش تغییر شده‌اند و در کنار داشتن دانش تئوری درخصوص تاریخ هنر، توانمندی‌های رفتاری و اجرایی دیگری نیز مورد نیاز است که برای دستیابی به موفقیت در این راه نقش پررنگی یافته‌اند.

در واقع در دنیای هنر معاصر، کیوریتوری به تخصصی بینارشته‌ای بدل شده است که به توانمندی‌هایی به‌طور هم‌زمان نیازمند است که کمک می‌کنند کیوریتور مانند پلی بین هنرمند و دنیای خارج عمل کند و راه را برای نشان‌دادن و درک بهتر ایده‌های هنری هموار کند.

شاید بتوان گفت در کیوریتوریال امروز، داشتن خلاقیت با درونمایه ذوق هنری یکی از ارکان اصلی است، از آنجا که در بسیاری موارد آثار با تعامل کیوریتور و هنرمند ایجاد می‌شوند، از کیوریتور انتظار می‌رود که با نگاهی ژرف و زیبایی‌شناسانه حرفی تازه برای گفتن داشته باشد و همچنین علاوه بر رویکردی تازه برای خلق آثار از روش‌های نوآرانه برای نمایش آثار و درگیرکردن مخاطب نیز استفاده کند؛ زیرا امروزه هنر تنها یک شیء هنری نیست و در بسیاری موارد به کنش هنری بدل شده است و حتی زمان، مکان، جرایی و چگونگی نمایش نیز به عنوان جزئی از ماهیت هنر محسوب می‌شوند و فضاسازی، امکان ایجاد تجربه و خاطره‌ای اساسا متفاوت برای مخاطب را ایجاد می‌کند؛ چراکه انسان توانایی حیرت‌انگیزی در به خاطر سپردن فضاها دارد.

در عین حال نمایشگاه یک رویداد اجتماعی است که اگرچه برگزاری آن قدمت طولانی دارد اما همچنان مملو از ظریفیت‌های کشف‌نشده است. در حالی که یک نمایش انفرادی به مخاطب اجازه می‌دهد نگاهی ژرف به دنیای یک هنرمند داشته باشد و کیوریتور نیز به این وسیله می‌تواند سکوی پرتابی برای هنرمند ایجاد کند. نمایشگاه گروهی نیز به مخاطب این فرصت را می‌دهد که شنونده صدای چندین هنرمند باشد و به کیوریتور هم فرصت بیشتری می‌دهد تا فضایی درخشان از ترکیب‌های نو از نگرش‌های گوناگون به وجود آورد و الگوهای گذشته را به چالش کشیده و آغازگر گفتمانی تازه باشد.

رکن دیگر، توانایی مذاکره و ایجاد گفتمان است. برپاکردن گفت‌وگو و تعامل میان خود و هنرمند، گفت‌وگو میان آثار (با چیدمان حساب‌شده)، گفت‌وگو میان آثار و مخاطبان و… و در کنار آن هنر قصه‌گویی و داشتن قلمی شیوا، یکی دیگر از ابعاد کیوریتوری است که به کمک آن می‌توان قصه هنرمند، قصه اثر، قصه نمایشگاه و… را به جذاب‌ترین شکل روایت کرد. در واقع کیوریتورها به یاری هنرمندان آمده و آثار را از آنچه دیده می‌شوند به آنچه خواننده و شنیده نیز می‌شوند، گسترش داده و علاوه بر لذت بصری، لذت درک روشن‌تر آثار را به مخاطب هدیه می‌دهند و بیننده را به دیدن با نگرشی عمیق‌تر تشویق می‌کنند. گاهی نیز لازم است که کیوریتور در نقش مذاکره‌کننده‌ای چیره‌دست یا به عنوان رابط و واسطه میان نهادهای

گوناگون عمل کند، تا راه را برای هنرمند و ارائه و شناساندن هنر او هموار کند. از طرفی از آنجا که یک اقتصاد پیچیده و خاص در جهان هنر در جریان است و اقتصاد هنر از نوع اقتصاد توجه است، برای کیوریتورها آشنایی با این اقتصاد و روش‌های درخور توجه و علاقه اسپانسرها جهت تأمین سرمایه مورد نیاز و همچنین مجموعه‌داران، دللان هنری و دیگر متقاضیان این بازار، در میان تعداد بسیار زیاد پروژه‌های هنری و دانستن قواعد بازی در بازار هنر نیز برای افزایش احتمال موفقیت اقتصادی نمایشگاه‌ها در کنار موفقیت هنری و جلب نظر منتقدان هنری ضروری به نظر می‌رسد.

کیوریتورهای موفق در واقع نقش بهترین دوست هنرمندان در مسیر حیات حرفه‌ای آنها را ایفا می‌کنند و به قول مارینا آبراموویچ (Marina Abramovic) هنرمند شناخته‌شده در هنر پرفورمنس که در یک اجرایش به هانس اولریش اوبریست (Hans Ulrich Obrist) تأثیرگذارترین و خوشنام‌ترین کیوریتور چند دهه اخیر که دوست او نیز هست اشاره می‌کند: «هرجا که هنرمند غایب است، کیوریتور حاضر» است و پس از آن کلماتی همچون پرشانت، کنجکاو، هنردوست، ماجراجو، دانشنامه‌وار، درگیر، شگفتی‌آور، نامحدود و … را که در واقع ویژگی‌های اوبریست هستند با لحنی سریع که این نیز یکی دیگر از مشخصه‌های اوست بر زبان می‌آورد که گویی می‌تواند کتابچه راهنمایی برای دانستن ویژگی‌های یک کیوریتور بی‌نقص، پرشور و موفق باشد.

همچنین انجام پروژه‌های کیوریتوریال با رویکرد کنشگری اجتماعی و نیز توجه به مسائل اخلاقی در انتخاب موضوعات و حتی هنرمندان و آثار و… یکی دیگر از نقش‌های تأثیرگذار کیوریتورها بوده که در دنیای هنر امروز بسیار مورد توجه است؛ چراکه کیوریتورها به نوعی یکی از مرزبانان دنیای هنر بوده و انتخاب‌های آنها علاوه بر روندهای هنری می‌تواند بر زندگی هنری هنرمندان تأثیر زیادی داشته باشد یا با پرداختن به موضوعات اجتماعی خاص می‌توانند آگاهی جامعه را درخصوص مسائل خاص که کمتر به آنها پرداخته شده است، بالا برند و به طور کلی کیوریتورها با توجه به جایگاهی که در آن قرار گرفته‌اند، مسئولیت بزرگی در زمینه هنر و جامعه بر عهده دارند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نقش کیوریتور محافظت از هنر، در کنار گفتن حرف‌های نو یا زنده‌کردن یک خط فکری است که شاید به فراموشی سپرده شده است و کمک به هنرمند برای ایده‌ها و ایجاد پیوند میان دل و اندیشه و ایجاد تعادل میان این دو است. در واقع کیوریتورها در دنیای هنر امروز به عنوان یک راهنما، همکار و حامی برای هنرمندان و یک راهبر برای مخاطبان عمل و آنان را نیز در دنیای خیال انگیز و اسرارآمیز هنر همراهی می‌کنند. همچنین کیوریتورها در شکل‌گیری رویدادهای بزرگ و تأثیرگذار هنری امروز همچون بی‌نال‌ها، آرت‌فرا، اکسپوها نقش پررنگی ایفا می‌کنند. اما متأسفانه این تخصص در کشور ما بسیار مغفول مانده است و آنچه با این نام صورت می‌گیرد، اکثراً از ماهیت اصیل آن به دور بوده و به صورت حرفه‌ای انجام نمی‌گیرد و بعضاً با نگاهی ساده‌انگارانه تنها به جمع‌آوری و نمایش آثار بدون رویکرد فکری خاصی خلاصه می‌شود. در صورتی که اگر به آموزش تخصصی این رشته بیشتر پرداخته شود و اجرای پروژه‌های کیوریتوریال با استانداردهای بالا فزونی یابد، به رشد و ایجاد جریان‌های هنری نو در فضای هنری کشور کمک شایان توجهی خواهد شد.

ماخذ:

- اولریش اوبریست، هانس (۱۳۹۸) شیوه‌های هنرگردانی، ترجمه: یوسفی، کتابون، تهران، انتشارات حرفه هنرمند.
- هوفمن، بنس (۱۳۹۷) الفبای هنر امروز هنر از نگاه کیوریتور، ترجمه: صفا، افرا، تهران، انتشارات نظر.
- بالزر، دیوید (۱۳۹۷) کیوریتورباوری، ترجمه، صفا، افرا، تهران، انتشارات نظر.

ادامه از صفحه اول

سیاسی نکردن «تورم»؟

ج- از منظر اقتصادی راهکار کاهش تورم مشخص است. راهکارهایی البته سخت و دشوار؛ کاهش هزینه‌های دولت با کنترل کسری بودجه و همچنین مدیریت انتظارات مردم با پیش‌بینی‌پذیر شدن سیاست‌ها و اقدامات دولت و برهیزز از تغییر ناگهانی این سیاست‌ها و البته افزایش درآمدهای دولت با عدالت مالیاتی و… اما آخرین راهکارهای سیاست‌گذار درباره کاهش تورم در کشورمان چه بوده است؟ تکلیف بودجه‌ای سال گذشته مجلس به دولت برای عرضه کالا‌های اساسی به قیمت شهوریو سال ۱۴۰۰ و همچنین راهکار اخیر رئیس مجلس مبنی بر اینکه: «پیشنهاد ما برای برنامه هفتم توسعه این است که افزایش قیمت سالانه ۲۵ کالای اساسی که حدود هشت مورد از آنها مواد غذایی و الباقی وسایل زندگی است، با رقم افزایش حقوق کارگری و کارمندی هماهنگ شود؛ یعنی اگر حقوق کارمندان ۲۵ درصد افزایش می‌دهیم، تورم این ۲۵ قلم کالا نباید بیشتر از ۲۵ درصد باشد» (قالیباف، ۱۴۰۲/۳/۹).

نتیجه این راهکارها و سیاست‌های غیرعلمی نشست‌گرفته از پارادایم‌های «خودکفایی» و «تامین ارزان‌قیمت محصولات غذایی» از پیش مشخص است: افزایش مصرف کالا‌هایی که قیمت آنها پایین نگه داشته شده و در نتیجه کمبود آنها در بازار و اجبار دولت به واردات از خارج و نیز کاهش سرمایه‌گذاری در داخل به سبب به‌صرفه‌نبودن تولید آنها و درنتیجه کاهش تولید و …

د- تورم، گرانی و افزایش قیمت چند قلم کالا نیست؛ بلکه افزایش مداوم و بی‌وسسته سطح عمومی قیمت کالا‌ها و خدمات است. متأسفانه با درک‌نکردن همین اصل بدیهی علم اقتصاد، اقدام به جراحی اقتصادی در حدود یک سال قبل شد که نتیجه آن نه افزایش قیمت موقت چند قلم کالا و جبران این افزایش با اعطای یارانه‌ها بلکه افزایش حدود صددرصدی اقلام غذایی و تورم‌هایی در همین حد و حدود در سایه کالا‌ها و خدمات بود؛ اقدام مشخص دولت هم در این‌زمینه «افزایش ۲۰درصدی یارانه کالا‌برگ سه دهک کم‌درآمد»‌هاست. افزایشی که درمورد این دهک‌ها ۳۰ درصد و درمورد بقیه یارانه‌گیران ۵۰ درصد کمتر از نرخ تورم یک سال اخیر است.

تورم بالا و فلج‌کننده فعلی، نابودکننده اقتصاد و اخلاق و همه روابط و مناسبات اجتماعی است که جز با اصلاحات ساختاری علاج‌پذیر نیست. اصلاحاتی که از تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و از جمله مهم‌ترین آنها حقوق مالکیت و مبادله آزاد تا ثبات مؤلفه‌های اقتصاد کلان (نرخ ارز، بهره‌بانکی و تعرفه و…) و تعامل مناسب با جهان و تأمین اجتماعی کارآمد را در بر می‌گیرد.

بدیهی است که بدون این اصلاحات ساختاری که با «سیاست» گره خورده است، نه‌فقط درد مهلک تورم فعلی مهار نمی‌شود؛ بلکه با اتلاف وقت، نرخ‌هایی به‌مراتب بالاتر و چه‌بسا وقوع سونامی‌های تورمی هرجه محتمل‌تر و نزدیک‌تر می‌شود.



تصاویر تاریخی و برکه‌های علمی قدیمی من را به خلق مجموعه‌ای بر اساس تکامل بشر سوق داد. عنوان «زیستار» هم با توجه به بررسی سیر تکامل بشریت انتخاب شده است.

- چه عواملی را در استقبال مخاطب از آثار این دو مجموعه مؤثر می‌شمارید؟**

در نهایت لذت و کنجکاوی منجر به پیشرفت من شد. اکثر مخاطبان به من گفتند که لذت و علاقه تو در این دو مجموعه مشهود است. بسیاری هم معتقد بودند حس ایرانی در پالت رنگی این مجموعه منجر به علاقه‌شان به آثار شده است که این نکته برای خود من خیلی جالب بود. در هر حال من در این خاک تنفس کرده‌ام و به این پالت رنگی توجه بیشتری دارم.
انگار کسانی که بر هنر طراحی مسلط هستند، بیشتر به سمت پالت رنگی محدود می‌روند؟

این هم ازجمله مواردی است که هنرمند در ناخودآگاه خود با آن مواجه است و بدون دلیل خاصی آن را وارد کار می‌کند.

- در میان هنرمندان جهانی چه کسانی بیشتر برای شما جرقه‌ای در کارتان را باعث شدند و توجه شما را جلب کردند؟** جالب است که هنرمندان مورد علاقه‌ما به آثاری کاملا متمایز از آثار من شناخته می‌شوند. برای مثال هاکنی، اندی وار هول و فریود آثاری بسیار متفاوت از فضای من را در کارنامه دارند؛ اما آثارشان را بسیار دوست دارم. به طور مثال تکراری که در آثار وار هول به چشم می‌خورد، من را در به‌کارگیری مفهوم تکرار در آثارم مانند همان میمون‌ها سوق داده است.

- در مجموعه‌های شش‌روی‌تان با تحولات بیشتری در مضمون و رنگ مواجه هستید؟**

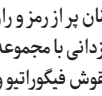
عناصر به‌روزتر خواهند شد و رنگ‌ها بر همان اساس سابق خواهند بود؛ اما بالطبع تا حدی متناسب با عناصر تغییر می‌کنند. در مجموعه پیش‌رو فیکور انسانی بیشتر خواهد شد و آثار بر دست‌ساخته‌های بشری متمرکز است. انسان همیشه دوست داشته که در عین کنجکاوی به آسمان و دریا دست پیدا کند و این نگاه در مجموعه بعدی من وجود دارد. در کل با رهایی و آزادی بیشتری پیش خواهیم رفت.

گفت‌وگو با مرئضی یزدانی

لذت و کنجکاوی باعث پیشرفت شد



شهرزاد رویایی



شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

شهرزاد رویایی

- نگاه به حیات در زمین در آثار مجموعه «زیستار» به چشم می‌آید؛ شما به نحوی عناصر را کنار هم گذاشته‌اید تا نقاط مشترک در حیات انسان، گیاه و حیوان را نشان دهد. شما اشتراک میان زیستار انسان، حیوان و گیاه را چطور در آثار نمود بخشیدید؟**

عنصر گیاه در مجموعه «زیستار» برجسته‌تر است و بیشتر به ارتباط میان انسان و گیاه اشاره داشتیم. برای مثال مهرگیاه که در آثار من دیده می‌شود، با داستانی همراه است که اگر انسانی این گیاه را از ریشه بکند تا چند روز بعد نابود می‌شود. در نتیجه آدمی برای دورکردن بلا از خود حیوانی وحیم و قوی را به این گیاه می‌بست و حیوانی دیگر مانند خرگوش را مقابلش رها می‌کرد تا اشتیاق شکار از سوی حیوان بزرگ عاملی برای حرکت و شکار باشد و در نتیجه گیاه به این واسطه از ریشه درآید تا بلا را از انسان دور نگه دارد. ناخودآگاه زنجیره‌ای از این روابط به شکلی در این گیاه وجود دارد و البته مهرگیاه نکات بسیار پیچیده‌تری را هم به همراه دارد که من به یکی از آنها اشاره کردم.

- در یکی از آثارتان حرکت دو میمون به سمت گیاه و از طرفی فیکور آدمی را می‌بینیم که گویی از محدوده رنگ‌های خاکی و قهوه‌ای فاصله گرفته و انکار به عصر حاضر نزدیک می‌شود. این تحول از منظر مضمون و از سوی دیگر تحول و جذابیت در نگاه مخاطب شکل گرفته یا صرفاً فریزی به این تغییر رسیده‌اید؟**

به‌طورکلی هنرمندان در خلق اثرشان ناخودآگاه و فریزی به سمت‌وسویی پیش می‌روند که خودشان هم شاید صرفا وقتی اثر را بر روی دیوار می‌بینند، متوجه لایه‌های متعددی از جهت فرم و مضمون می‌شوند؛ اما همه این موارد هم از یک اندیشه آغاز می‌شود. در این اثر حرکت میمون نمادی از تکرار حرکت و روندی که در هستی طی شده، اشاره دارد. فرم شکوفایی مرحله به مرحله را نیز در این اثر مورد تأکید قرار دادیم. تحول رنگی من خیلی زیاد نبوده، ولی بنا بر مضمون کمی رنگ از پالت قبلی فاصله می‌گیرد؛ چراکه عناصر جدیدی وارد اثر شده است.